



افغانستان گروگان جنایتکاران جنگ

به مناسبت دهم دسمبر، روز جهانی حقوق بشر

2013/12/11

روز جهانی حقوق بشر بازم در شرایطی برگزار می‌گردد که دولت افغانستان در حال واپس گرفتن حقوق و آزادیهای است که طی سالهای نخست حکومت جدید به مردم داده شده بود. بازستانی "قانون منع خشونت علیه زنان" توسط ولسی جرگه مثال برجسته این حرکت به عقب در سال جاری میلادی است. انتشار لیست پنجهزار نفری شهدای کشته شده توسط حکومت تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را حاکمیت کنونی فقط با اقدامات سمبولیک برگزار کرد حالانکه مردم افغانستان خواهان محاکمه مسئولین این جنایات و سایر جنایات سه دهه اخیر اند. نمایشگاه عکس و راهپیمائی های عدالتخواهانه که از طرف "انجمن اجتماعی دادخواهان" که فعالین آنرا جوانان تشکیل میدهند، این امیدواری را تقویت میکند که داعیه عدالتخواهی را نسلهای آینده با جدیت دنبال خواهند کرد. کرسی و حکومتش بر عکس به تأمین عدالت بحدی بی علاقه اند که حتی اسد الله سروری رئیس اگسا را که دزدانه از زندان رها ساخته بودند، دوباره دستگیر نکردند تا از وی در مورد لیست شهدا و مکاتیب که به امضای خودش به نشر رسیده، تحقیق کنند. باید برای اطلاع هموطنان بنویسیم که اتهام قبلی جلال سروری قتل عده معدود را دربر میگرفت و به ارتباط جنایات علیه بشریت نبود. قضیه سروری به شیوه سازشکارانه به محکمه نظامی راجع شد و در آنجا به دلخواه این جنایتکار قرن فیصله شد.

در ساحة انتخابات نیز وضع فعلی و چشم انداز آینده نزدیک مایه تشویش و نگرانی میباشد. یک نگاه گذرا به لیست کاندیدهای ریاست جمهوری و معاونین شان کافیهست تا متوجه این واقعیت تلخ شویم که جنگسالاران افغانستان را به گروگان گرفته اند. عمق بحران حقوق سیاسی که مردم افغانستان با آن دست به گریبان میباشد، قابل تشویش و نگرانی است. صرف نظر از عده از کاندیدها و معاونین تکنوکرات، اکثریت آقایان کاندید، در خونریزی های سه و نیم دهه گذشته، در سطح رهبری دخیل بوده و دستهای آلوده به خون مردم ملکی دارند. اصولاً باید همه این سرمه های آزموده از اعمال تنگین گذشته خود در یک محکمه علنی معذرت خواسته سرنوشت خود را بدست بازماندگان قربانیان و مردم افغانستان بسپارند. قراریکه دیده میشود کاندیدهای مظنون با پروئی و با استفاده از روابط قومی و پولهای بیگانگان برای بازی مجدد با سرنوشت مردم افغانستان و گرفتن سهم بیشتر از چپاول داری عامه خود را کاندید کرده اند. کمیته حقوق بشر فارو از طرق رسمی علیه کاندیداتوری چند فرد مظنون به جنایات جنگ (سیاف-اسماعیلخان، عبدالله عبدالله و معاونین اش، و قطب الدین هلال) به کمیته شکایات انتخاباتی شکایت نمود. متأسفانه کمیته به اصطلاح شکایات انتخاباتی همانطور که انتظار میرفت شکایت ما را به این دلیل که "هیچ محکمه با صلاحیت اشخاص ذیربط را به اتهام جنایات جنگی محکوم به مجازات نکرده است" رد نمود. چون هیچ جنایتکار جنگ طی سه و نیم دهه اخیر محاکمه نشده است، کاربرد این دلیل حکم خاک پاشیدن به چشم مردم افغانستان را دارد.

درین میان رشید دوستم از اعمال خود در دوره جنگ داخلی معذرت خواسته ولی در مورد کشتارها و چپاولهای که در بست "گلیم جمع" به امربریک کارمل ونجیب الله در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام داده تا حال واضحاً معذرت نخواستہ است. حالت سایر کاندیدها بدتر ازین است. بطورمثال قطب الدین هلال در مصاحبه تلویزیونی با تلویزون طلوع در رابطه با ضرورت معذرتخواهی چنین گفته است: "معذرتخواهی کارشجاعانه است. کسانی که خود را گنهکار میدانند، باید معذرت بخواهند." عبارۀ دیگر آقای هلال خود را گنهکار نمیداند. در حالیکه ما افغانها بخوبی میدانیم که آقای هلال در زمان جنگهای داخلی عضو شورای رهبری حزب اسلامی حکمتیار بود. حزبیکه از ایجاد تا حالا کوچکترین ارزشی به حیات افراد ملکی قابل نبوده و با راکتباران شهر کابل در دوران جنگهای داخلی نیمۀ اول دهۀ نود باعث کشتار هزاران فرد ملکی شده است. اگر آقای هلال اعتراف بکند یا نه، درمسئولیت کشتار افراد ملکی مذکورشریک جرم آقای حکمتیار بوده نزد قانون ومردم افغانستان مظنون به جنایات جنگی است. در مورد جنایات نسبتی آقایان سیاف، اسماعیلخان، محقق، عبدالله عبدالله نیز سازمان دیده بان حقوق بشروسایر سازمانهای بین المللی حقوق بشر تا حد زیادی به مستندسازی جرایم آنها پرداخته اند. ولی به دلیل شرم آور "عدم محکومیت توسط محکمه" از حق کاندیدشدن برای ریاست جمهوری محروم نشدند.

کشتار افرادملکی ازجانب طرفین جنگ کنونی حق حیات را از انسانهای که درجنگ سهمی ندارند سلب میکند.تغافل دراتخاذ تمام اقدامات ممکن برای جلوگیری ارتففات ملکی جنایت جنگی است. نه تنها حکومت وپشتیبانان بین المللی اش بلکه طالبان وافراد حکمتیارنیزدرین کشتارسهم دارند. برطبق احصائیه های ملی وبین المللی قسمت اعظم تلفات جانی افرادملکی درنتیجۀ حملات انتحاری وماینهای کنار جاده طالبان بوجود می آید. علاوه کشتارمأمورین ملکی دولت، سران اقوام که رابطه همکاری با دولت دارند، کارمندان پروژه های عمرانی، دریوران و... شاید برای طالبان توجیه ایدئولوژیک داشته باشد، ولی از لحاظ حقوقی جنایت جنگی میباشد. درجانب حکومت وپشتیبانان خارجی اش، حملات هوائی بالای مناطق مسکونی وشکنجۀ زندانیان سیاسی باعث تلفات گردیده وجنایت جنگ محسوب میگردند.

مشکلات بزرگ انسانی دیگری در افغانستان موجود اند که شرح آنها درین مختصرنمیگنجد. محروم بودن بیش از پنج میلیون طفل از حق تعلیم، موجودیت بیش از یک میلیون معتاد مواد مخدره است، بیکاری مزمن صدها هزار جوان، خشونت ووحشت علیه زنان و تأسیسات ناکافی صحت عامه برای برخی ولایات دور افتاده مثالهای مهم محرومیت از حقوق بشروحقوق اجتماعی انسانها میباشد. تا تحقق این حقوق برای تمام مردم افغانستان راه بس طولانی در پیش است. تا زمانی که افغانستان از گروجنگسالاران ولی نعمتان خارجی شان رهائی نیابد، تأمین حقوق بشر در افغانستان کار بس دشوار خواهد بود.

"کمیته حقوق بشر فارو"